

ضمایر [او]

به‌همت مؤسسه فرهنگی

قدیم‌الاحسان

## کتاب صحیفه‌الابرار برای اولین بار به فارسی ترجمه‌شد

جواد حیدری، مدیرعامل مؤسسه فرهنگی قدیم‌الاحسان در گفت‌وگو با خبرنگار حوزه مسجد و هیأت خبرگزاری فارس اظهار کرد: «علامه میرزا محمدتقی مامقانی (متخلص به نیر) از علمای محدث و اهل ولایت بوده که بیشتر اشعار او مشهور شده است و کمتر کارهای علمی و روایی او مدنظر قرار گرفته است. او از شاعران پسرآوازه، عالمان ژرف‌اندیش و از افتخارات مذهب تشیع (در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری) است.»

او با اشاره به این‌که اشعار نغز و پرمحتوای «نیر» در واقعه عاشورا بسیار زیانزد است، تصریح کرد: «آثار گوناگونش حاکی از معرفت، عظمت و تبهر او در علوم مختلف است.»

حیدری گفت: «یکی از آثار «نیر» کتاب کم نظیر «صحیفه‌الابرار» است که دریایی از فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را در خود گنجاند و در ضمن واگویی طرفه‌هایی از احادیث امامان علیهم‌السلام، معارف بلند و راهگشایی را به خواننده ارزانی می‌کند که کلید شماری از شبهه‌ها و مسائل اعتقادی و پاسخ بسیاری از سطحی‌نگری‌ها و یاوه‌بافی‌هاست. این کتاب به زبان عربی موجود بود و تاکنون به زبان فارسی ترجمه نشده بود.»

مدیرعامل مؤسسه فرهنگی قدیم‌الاحسان افزود: «این مؤسسه با همکاری سیدهای حسینی از مترجمان برجسته کتب علمی و جمع دیگری از طلاب خیره، این کتاب را به زبان فارسی ترجمه کرد. این کتاب دارای ۱۲ فصل بود که در ترجمه متن عربی و فارسی هر فصل در قالب یک کتاب منتشر شد و یک جلد نیز تماماً به نمایه‌ها اختصاص دارد. در مجموع این کتاب در ۱۳ جلد عرضه شده است.»

وی با بیان این‌که در مرحله نخست ۵۰۰ نسخه از این کتاب منتشر شده است گفت:

«علاقه‌مندان برای خرید می‌توانند با شماره ۳۳۴۲۲۵۴ یا پیش شماره ۰۲۱ تماس حاصل کنند یا از طریق [www.dinkala.ir](http://www.dinkala.ir) اقدام کنند.

همچنین آموزه‌های سودمند این کتاب اندیشه و دل را صفا می‌بخشد و اصل بنیادین ولایت و امامت را در عمق جان می‌نشاند و نهاد انسان را سرشار از عشق و محبت به خاندان عصمت و طهارت می‌سازد.»

حیدری در پایان خاطرنشان کرد: «تألیف بعدی این مؤسسه ان‌شاءاً... حسنیه ماثور است که بنا داریم در ماه

صفرورنمایی کنیم که در ادامه تألیفات ماثور مؤسسه ماست.»



## فراخوان بنیاد رودکی برای همکاری با رهبران جوان

با هدف تشویق رهبران جوان و تقویت توان اجرایی موسیقی ارکسترال در ایران، بنیاد رودکی از همه رهبران جوان ارکستر دعوت به‌عمل می‌آورد تا به عنوان رهبر هممان با ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ملی ایران همکاری کنند. بر همین اساس فراخوان بنیاد رودکی برای همکاری با رهبران جوان تهیه و از طریق پایگاه اینترنتی بنیاد رودکی به نشانی [www.bonyadroudaki.com](http://www.bonyadroudaki.com) در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

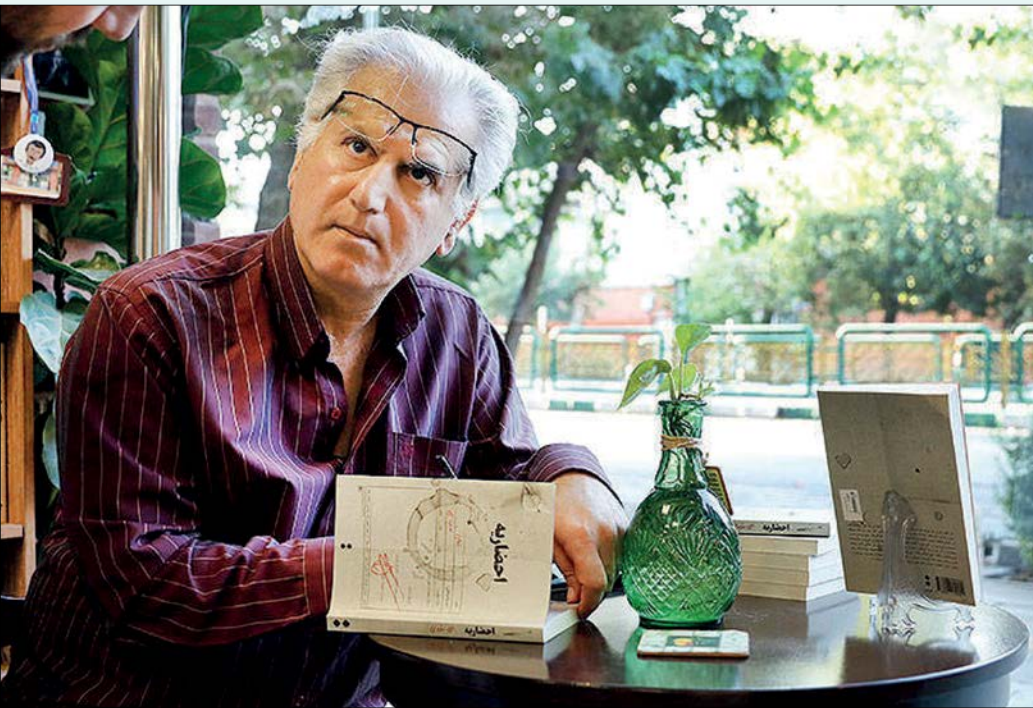


## «زبان دینی» منتشر شد

کتاب «زبان دینی» اثر مایکل اسکات با ترجمه حامد قدیری به همت سازمان سمت در ۲۵۶ صفحه با شمارگان ۵۰۰ نسخه و با قیمت ۲۹ هزار تومان منتشر شده است. کتاب حاضر برای دانشجویان رشته فلسفه دین در مقطع کارشناسی ارشد به عنوان منبع اصلی درس «زبان دین» ترجمه شده است. همچنین در رشته‌های الهیات و ادیان نیز در درس‌های مرتبط می‌توان از این کتاب استفاده کرد.

گفت‌وگو با علی موذنی درباره نتایج محاسبات جام‌جم

# مردم نباید خجالت بکشند



مطرح بود. به طور کلی وقتی وارد رشته‌ای می‌شوید که با نوشتن سروکار دارد، در واقع دارید الفبای حرفه‌ای‌گری را هم می‌آموزید و دارید آینده خودتان را بر این اساس پی‌ریزی می‌کنید و طبیعتاً یک واقعیت هم همیشه خودش را نشان می‌داد که وضعیت نویسندگی در این کشور به چه صورت است، چون ما اهالی قلم با این وضعیت روبه‌رو بودیم که از طریق نوشتن نمی‌شود، ارتزاق کرد.

نویسندگان ایرانی با توجه به کمبود مطالعه مردم با تیراژ خوبی روبه‌رو نیستند و اگر بخواهند از این طریق نان‌شان را درآورند باید رو به قبله دراز بکشند. اما مساله اصلی این است نوشتن یک نیاز است. یعنی نویسنده با این احساس نیاز به دنیا می‌آید که دنیا را از طریق نوشتن خود، تعبیر و تفسیر کند. برای همین است که اصلاً به مضایقی که در این مسیر وجود دارد، فکر نمی‌کند بلکه به برآوردن نیاز خودش می‌اندیشد. وقتی هم شما آثاری چاپ می‌کنید و مردم این آثار را می‌خوانند و با یک تعاملی روبه‌رو می‌شوید، خودبه‌خود مساله نویسندگی جا می‌افتد و همان‌طور که عرض کردم حواشی دیگر نمی‌توانند سایه بیندازد بر مساله اصلی که «نوشتن» است.

شخصاً برای هر اثری که نوشته‌ام وقت گذاشته‌ام. اما آثاری که با همان وسواس نوشته شده‌اند، گاهی یک خواننده بیشتر نداشته‌اند. علتش هم مضیق‌هایی است که به لحاظ موضوعی در این کشور ما وجود دارد و نویسنده نمی‌تواند در هر حوزه‌ای قلم بزند. اما همان داستانی که فقط یک خواننده داشته هم برایم همان قدر ارج و قرب دارد که اثری مثلاً ۳۰ هزار جلد از آن به فروش رفته است. من به نیاز درونی خودم پاسخ می‌دهم. اگر این آثار زمانی امکان چاپ‌شان فراهم شود که چه بهتر! اما اگر هم نشود باز هم نویسنده با اشتیاق می‌نویسد و کار نویسندگی با همین مضایق دنبال می‌شود. نویسنده می‌نویسد چون حرفی برای گفتن دارد و این ارتباط یعنی نوشتن و عرضه کردن، نوعی نیاز حیاتی است و هیچ‌وقت قطع نمی‌شود. نویسنده تا وقتی حرفی برای گفتن و انرزی برای نوشتن دارد نباید به این چیزها خیلی جدی فکر کند، چون جدی‌ترین کار برای نویسنده، نوشتن است. مهم پاسخ به روح انسان است و روح انسان باید به این تکامل برسد که وقتی می‌خواهد جسم را ترک کند باید بتواند به این سوال پاسخ دهد که آیا همه توانات را به کار گرفتی و کاری را که باید می‌کردی انجام دادی یا اسیر حواشی شدی و از اصل داستان جا ماندی؟

می‌بالیم و افتخار می‌کنیم. اما این‌که این افتخار را به مساله مطالعه ربط بدهیم، شاید درست نباشد. متقدمان ما کار خود را کرده، برای ما فخر ایجاد کرده‌اند و ما هم به آثارشان می‌بالیم. اما این‌که وضع مطالعه این‌طور است، باید آسیب‌شناسی شود. آیا تقصیر، متوجه مردمی است که کتاب نمی‌خوانند؟ من این‌طور فکر نمی‌کنم. ما با فرهنگ کتابخوانی بزرگ نمی‌شویم و این تقصیر نهادهایی است که باید نقش موثر داشته باشند، مثل خانواده و آموزش و پرورش. همه در حال کم‌کاری‌اند. تیراژ سه‌هزار تایی، چطور پس از انقلاب رو به کاهش رفته؟ پاسخ این پرسش‌ها با آسیب‌شناسی به دست می‌آید. تا آسیب‌شناسی و تبدیل به مقوله‌ای اجتماعی نشود تا برای رسیدن به نتایج این آسیب‌شناسی بودجه صرف نشود و تا تبدیل به مساله نشود، در بر همین پاشنه خواهد چرخید. ما تا مردم را کتابخوان بار نیآوریم و آنها را به این نتیجه نرسانیم که خواندن کتاب صرفاً برای سرگرمی نیست، بلکه برای برآوردن‌کردن مهم‌ترین نیازهای زندگی از جمله خودسازی و دانش‌افزایی و برای ساماندهی زندگی و گسترش افق دید است. کتابخوانی رونق نمی‌گیرد. کتابخوان‌کردن مردم، مرحله‌ای و پله‌پله و چندلایه است. مردم اگر به پرسش‌ها فکر کنند، مثلاً به این فکر کنند که چرا در جامعه درجا می‌زنیم و بدانند علت ناآگاهی مثلاً به تاریخ است، می‌توانند جلوی تجربه‌های مداوم شکست‌خوردن را بگیرند. با تهجیز به آگاهی است که شما می‌توانید از ائتلاف سرمایه اجتماعی جلوگیری کنید. ما با عده‌ای هم طرفیم که کتاب خواندن برایشان به عنوان آرزو مطرح است؛ آنها دچار پندار غلط هستند، مبنی بر این‌که بازنشسته بشوند تا فرصت پیدا کنند کتاب بخوانند. اینها مغالطه‌های ذهنی است. چه کسانی باید جلوی شکل‌گیری چنین باوری را بگیرند؟ متأسفانه این دغدغه‌ها موجود نیست. نتیجه، اوضاع نابهنجار در زمینه‌های مختلف است. بنابراین بهتر است تقصیر را صرفاً گردن مردم نیندازیم. مردم نباید به تنهایی خجالت بکشند، آن دسته از مسؤولانی که باید با دانش وارد می‌شدند و مشکل را حل می‌کردند و نکردند باید خجالت بکشند که نتوانسته‌اند بسترسازی کنند.

با این اوصاف، شما با چه روزه‌های امیدیه به خودتان انگیزه می‌دهید که این مسیر را ادامه دهید؟

من از ابتدای ورود به کار حرفه‌ای نوشتن که بازمی‌گردد به زمان دانشجویی، با این سوال مواجه بودم. یعنی این مساله برای خودم و هم دوستانم که به شکل حرفه‌ای با حوزه نوشتن سروکار داشتیم،

علی موذنی از آن دسته نویسنده‌هاست که عیار نوشتن را بالا می‌برند؛ از آنها که با خیال راحت می‌شود بهشان گفت نویسنده و این نویسندگی شامل چیزیها باشد؛ از داستان‌نویسی و نوشتن رمان و نمایشنامه گرفته تا فیلم‌نامه. با او درباره آماری که محاسبه کرده‌ایم به گفت‌وگو نشستیم؛ در این باره که از هر ۶۶۷ ایرانی یکی نویسنده است. فکرش را بکنید او خود نویسنده‌ای است با کارنامه‌ای پربرابر و پراثر. یعنی به‌تنهایی این آمار را می‌تواند با افزایش چشمگیر مواجه‌کند.

بر اساس محاسبه‌ای که ما کرده‌ایم، سال گذشته حدود ۱۲۶ هزار عنوان کتاب ترجمه و تألیف در همه حوزه‌ها (چاپ اول) منتشر شده است. جمعیت ایران در آغاز امسال، ۸۴ میلیون نفر بوده و بر این اساس، از هر ۶۶۷ ایرانی، یک نفر کتاب نوشته یا ترجمه و منتشر کرده است. برآیند شما از این آمار چیست؟ با توجه به این‌که می‌گویند در ایران کتاب چاپ‌کردن حساب و کتاب ندارد، چنین نسبتی چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

اولاً باید این آمار راستی‌آزمایی شود تا ببینیم چقدر ممکن است صحت داشته باشد. بر فرض صحت، این آمار باید تفکیک شود. ما باید بدانیم در رمان و داستان و شعر و در کل آثار خلاقه، با چه تعداد عناوین و چه تیراژی روبه‌رویم. مترجم‌های متعددی فعال هستند که یا خود جوش ترجمه می‌کنند یا از ناشران سفارش می‌گیرند. تا تفکیک در ارتباط با کتاب‌های تألیفی و ترجمه صورت نگیرد، نمی‌شود در این باره با دقت حرف زد.

نسبت کتاب‌های ترجمه به تألیف در بازه زمانی یک سال اخیر، حدود یک به چهار بوده است. یعنی کتاب‌های تألیفی چهار برابر کتاب‌های ترجمه در سال گذشته منتشر شده‌اند.

اگر چنین بوده، اتفاق مبارکی است. به هر حال، نوشتن، بیان‌کردن نیات و آفات است. حالا که این اقبال به وجود آمده، می‌شود نتیجه گرفت تفکر، قوت گرفته است. این‌که شخصیت‌های متفکری به جامعه ما اضافه بشوند که نسبت به اتفاقات واکنش مکتوب نشان دهند، نشانه خوبی است. در این باره ارزشگذاری نمی‌کنم، صرفاً به تحلیل خود آمار می‌پردازم که نشان‌دهنده تحول است.

بروز چنین تحولی، از زمان رونق وبلاگ‌نویسی که طی آن هر کس توانست صفحه‌ای برای خودش و نوشته‌هایش ایجاد کند، برای من مشخص بود. از همان موقع، این دورنما برای من ترسیم شده بود که ما با توجه به این امکان، شاهد افزایش چشمگیر کسانی خواهیم بود که کم‌کم از وبلاگ‌نویسی به مطبوعات و دیگر حوزه‌های نوشتن می‌آیند و آنجاها پا را محکم می‌کنند.

حالا البته نکته‌ای دیگر هم درباره این آمار و ارقام بگویم. از طرفی ممکن است برخی از این آثاری که در بازه زمانی مورد بررسی شما منتشر شده‌اند، جزو آثاری باشند که سال‌ها در اداره ممیزی و وزارت فرهنگ و ارشاد متوقف بوده‌اند و حالا با تغییر رویکرد ممیزی، یکباره منتشر شده‌اند. آمار ممکن است به این دلیل هم بالا برود.

می‌گویند ما ملت شعر هستیم و از همین رو به تمدن و ادبیات غنی‌مان می‌بالیم. به نظر تان با توجه به سرانه اسنبار مطالعه و سرانه نه‌چندان چشمگیر نگارش کتاب، همچنان می‌توان قائل به چنین مغالطه‌هایی بود؟

درست است که وجه غالب ادبیات ما در گذشته شعر بوده است، اما گمان می‌کنم در این مورد باید اصطلاح نظم را جایگزین شعر بکنیم. اغلب داستانگویی‌های ما در قالب نظم بوده است. این در حالی است که ما به این دسته از آثار هم شعر اطلاق می‌کنیم. بسیاری از این آثار، داستان‌هایی هستند که در قالب نظم نوشته شده‌اند. هر چند صور خیال در این آثار مشهود است اما رویکرد اصلی شاعر یا ناظم یا نویسنده، داستان‌سرایی بوده است. از جمله آثار نظامی یا فخرالدین اسعد گرگانی و دیگران.

ما به آثار متقدمان به خاطر سرشار بودنشان از حکمت و دانش با اشتراک گذاشته‌است.

شناخته‌شده در بیان مردم امروز با هدف کمک به انتقال مفهوم ترانه مد نظر بوده‌است. پس از این مرحله نیز با مرور چندباره ترجمه ترانه، ارتباط طولی اجرا و کلمات از نظر معنا و پیوستگی بررسی شده و تا آنجا که ترجمه از اصل اثر دور نشود، به موسیقی کلمات و زیبایی سخن نیز توجه بسیاری شده‌است.

محمد سرو از کودکی به موسیقی‌های مختلف علاقه داشته و حالا با ترجمه و تحقیق در رابطه با مهم‌ترین ترانه‌های قرن اخیر موسیقی جهان، محصول این علاقه را با ما نیز

به اشتراک گذاشته‌است.

هیاهوی خاموشی را انتشارات فصل پنجم در ۸۴ صفحه و با قیمت ۲۵ هزار تومان منتشر کرده‌است. همین ناشر، کتابی از ترانه‌های محمد سرو را نیز روانه بازار کتاب کرده؛ مجموعه‌ای که «ترانه‌های تراریخته» نام دارد و آن‌طور که خود ترانه‌سرا در مقدمه کتاب نوشته به موضوعات جهان‌سازی، جامعه، سیاست و عشق می‌پردازد.

عکس: مجید آزاد - جام جم

این‌که

وعی شاعریم. باوری مبنی بر این‌که از هر ن‌گزارشی مستدل است اما اگر به آرشو از مجله گردون در ز شعر می‌نویسند. هم اشاره کرده که البته در این گزارش خیلی کمتر از این ر در ایران هم ۴۰۰ تا

شعر در بازه زمانی های شعر در ایران کتاب و ادبیات به دیات را یک جامع یلیفی در موضوعات

یات، کتاب شعر یشمگیر نیست. گفت ما ملت شعر غا شیوع ویروس م مانند بسیاری از

عطف [کتابخانه]

## اهدای ۷۰۰ جلد کتاب به کودکان محروم شرق

گروه جهادی شهدا در روزهای ابتدایی تابستان ۱۴۰۰ به شرق کشور رفت و ضمن اهدای کتاب، مواد غذایی و بهداشتی را نیز میان هزار خانوار توزیع کرد. محسن اسماعیلی، مدیر گروه جهادی شهدا درباره اهدای کتاب‌ها گفت: «پیش از اعزام به شرق کشور، آسیب‌شناسی توسط اعضای گروه درباره جغرافیای فرهنگی منطقه شکل گرفت تا براساس آن، کالاهای فرهنگی مورد نیاز را به همراه ببریم.»

اسماعیلی با بیان این‌که هدف این سفر، سرکشی و رفع برخی مشکلات شهرستان سبزوار، بخش روداب و روستاهای آن بود، تصریح کرد: «در این سفر روستاهای دوجاهی، ملوند، گزو، چاه عبدالملکی و چاه ملک به دلیل حضور تعداد زیادی از کودکان و نوجوانان مدنظر قرار گرفت و بر این مبنا حدود ۷۰۰ عنوان جلد کتاب



اهداشده به کودکان، توسط گروه جهادی شهدا و مشارکت پایگاه بسیج امام صادق علیه‌السلام موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران گفت: «کتاب‌های نشانه‌های ظهور، چهار سابقه‌دار، گلستان یازدهم، قصه‌های امام زمان، ستارگان و کهکشان‌ها، همیار پلیس، آبنبات هل‌دار و... توزیع شد.»

کودک و نوجوان میان کودکان منطقه توزیع شد. با وجود تعداد زیاد کودکان و نوجوانان در این روستاها، اما امکانات فرهنگی واقعا اندک است که امیدواریم با عنایت مسؤولان دولت سیزدهم، این روستاها هم دارای بخش‌ها و مراکز فرهنگی شوند یا حداقل توزیع بسته‌های فرهنگی منظم صورت گیرد.»

مدیر گروه جهادی شهدا ضمن اشاره به کتاب‌های

